

صبح امروز

بکشمبه
۳۰
۹
۱۴۰۳

عارف مطرح کرد:

توجیه عدم شفافیت با مسائل امنیت ملی

۲

یادداشت

نقد ابوطالبی به اظهارات جدید سعید

جلیلی

حمید ابوطالبی



اظهارات اخیر جناب جلیلی درباره‌ی «مکان سوم» و نسبت دادن آن‌ها به پارادایمی غربی در تعارض با فلسفه‌ی زوجیت اسلام، بیش از آن‌که واجد نقدی دقیق و منسجم از یک پدیده‌ی اجتماعی باشد، بر برداشتی تقلیل‌گرایانه و ناراست از هم جامعه‌شناسی مدرن و هم مبانی اندیشه‌ی اسلامی استوار است؛ برداشتی که در صورت گسترش، نه تنها به تقویت نهاد خانواده نمی‌انجامد، بلکه در عمل به تضعیف جامعه، انزوای اجتماعی و فرسایش پیوندهای جمعی منجر خواهد شد. حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی حسن روحانی، رئیس جمهور دولت یازدهم و دوازدهم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت:

جامعه‌ی در حال تحول؛ و نظریه‌ی «مکان سوم» (Third Place)

«مکان سوم» نه خانه است و نه محل کار؛ بلکه فضایی میانجی برای گفت‌وگو، تعامل جمعی و تولید سرمایه‌ی اجتماعی است. به یاد می‌آورم در میدان روبه‌روی دانشگاه سوربن، کافه‌ای قدیمی با هویتی تاریخی وجود داشت که اساتید برجسته‌ی علوم اجتماعی و دانشجویان در آن گرد می‌آمدند و به بحث، مناظره و تبادل نظر می‌پرداختند؛ فضایی که نه خصوصی بود و نه رسمی، اما نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری اندیشه و پیوند اجتماعی ایفا می‌کرد.

بر اساس نظریه‌های اجتماعی، «مکان سوم» در طول تاریخ پاسخی بوده است به نیاز بنیادین انسان به اجتماع‌پذیری معنادار؛ نیازی که بدون آن، فرد دچار انزوا و جامعه دچار فروپاشی پیوندهای محلی می‌شود. این فضاها نه برای حذف خانواده شکل گرفته‌اند و نه برای جانشینی آن، بلکه برای ایجاد سطحی از پیوند اجتماعی که نه در حریم خصوصی خانه ممکن است و نه در مناسبات رسمی و کارکردی محل کار، فروکاستن «مکان سوم» به ابزاری برای ترویج فردگرایی، در واقع نادیده گرفتن صورت‌مسئله‌ی اصلی و وارونه‌سازی کارکرد تاریخی و اجتماعی آن است. در واقع، مکان سوم پدیده‌ی مدرن یا صرفاً غربی نیست. در تمامی تمدن‌ها و در طول تاریخ، فضاها جمعی متنوعی برای پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند: از معابد، مساجد، کلیساها و مراسم آیینی جمعی گرفته تا میدان‌ها، بازارها، ورزشگاه‌ها، تئاترها، حلقه‌های علمی، سینماها، قهوه‌خانه‌ها و کافه‌های هنری و فرهنگی. این فضاها امکان شکل‌گیری هویت جمعی، گفت‌وگو، هم‌حسی و تعلق اجتماعی را فراهم می‌کرده‌اند و همواره نقشی مکمل در کنار خانواده داشته‌اند، نه نقشی رقیب یا تهدیدکننده. حتی در ادیان توحیدی، اوج اجتماع‌پذیری معنادار در قالب مناسک جمعی در معابد و مراکز دینی متجلی شده است؛ جایی که انسان‌ها در کنار یکدیگر، و نه در انزوای فردی یا صرفاً در چارچوب زوجیت، به تجربه‌ی معنا، اخلاق و پیوند اجتماعی دست می‌یابند. بدین معنا، زوجیت در سنت دینی هرگز به معنای قطع ارتباط اجتماعی یا حذف فضاهای جمعی نبوده، بلکه همواره در دل شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی، آیینی و اخلاقی معنا یافته است. از این منظر، تقابل‌سازی میان «کافه» و «خانواده» یا میان «مکان سوم» و «زوجیت اسلامی»، نه ریشه در فهم تاریخی دین دارد و نه با منطق جامعه‌شناسی سازگار است؛ بلکه حاصل ناتوانی در درک نقش فضاهای میانجی در حفظ تعادل میان فرد، خانواده و جامعه است.

تصورسازی ایدئولوژیک از «غرب» این رویکرد، تصویرسازی از «غرب» به مثابه فاعلی منسجم با نقشه‌ای واحد برای فروپاشی خانواده، تحلیلی ساده‌انگارانه و غیرواقع‌بینانه است. بسیاری از نظریه‌های اجتماعی در غرب، خود واکنشی انتقادی به فردگرایی افراطی و بحران خانواده‌اند و دقیقاً در پاسخ به انزوای انسان مدرن شکل گرفته‌اند.



پیش‌بینی مهم یک کارشناس از تورم و رشد اقتصادی؛

در آستانه افتادن در «تله فقر» هستیم

نسل زد و مطالبات متفاوت

ظهور کنشگری دیجیتال در آفریقا

و بهره‌گیری از «مزیت جمعیتی»، در بستر نرخ‌های بالای بیکاری، تورم و رکود سرمایه‌گذاری، به عاملی کلیدی برای شکل‌گیری فشارهای اجتماعی و نارضایتی جمعی تبدیل شده است. سالانه بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون جوان وارد بازار کار می‌شوند، در حالی که ظرفیت ایجاد شغل رسمی تنها حدود ۳ میلیون است؛ این شکاف ساختاری موجب افزایش احساس بی‌آیندگی، کاهش مشروعیت دولت‌ها و تقویت کنشگری سیاسی نسل جوان می‌شود.

این گذار جمعیتی و بحران اعتماد، بازتاب تغییرات ساختاری در الگوهای مشروعیت، تعامل دولت و جامعه و توانایی نسل جوان برای بازآرایی قدرت است. توانمندی‌های شبکه‌ای، دیجیتالی و سازمان‌دهی افقی به نسل Z امکان می‌دهد که نه تنها مطالبه‌گری اجتماعی، بلکه تغییر نظم سیاسی و تعریف مجدد مشروعیت را پیش ببرد؛ همان روندی که اخیراً در ماداگاسکار به وضوح مشاهده شد.

۱. جوانی جمعیت و شکاف فرصت‌ها آفریقا با ترکیب جمعیتی عمدتاً جوان، برغم پتانسیل ایجاد مزیت‌های اقتصادی

نسل Z تشدید می‌کند. شاخص ابراهیم (Ibrahim Index of African Governance) طی یک دهه گذشته روند نزولی در کیفیت حکمرانی، امنیت، حاکمیت قانون و فضای دموکراتیک را نشان می‌دهد. فساد ساختاری، نابرابری اقتصادی و فاصله میان نخبگان و شهروندان باعث شده است که نسل جوان احزاب و نهادهای سنتی را فاقد توان اصلاح‌گری بداند. این وضعیت نشانه فروپاشی تدریجی قرارداد اجتماعی است و به ظهور کنشگری نوین و دیجیتال محور نسل Z انجامیده است.

آفریقا با داشتن بیش از ۶۰ درصد جمعیت زیر ۲۵ سال جوان‌ترین قاره جهان است؛ در برخی کشورها این سهم به ۷۰ درصد می‌رسد. این واقعیت جمعیتی، در شرایط ضعف مزمین حکمرانی، نرخ بالای بیکاری و ناکارآمدی خدمات عمومی، نه تنها منبع بالقوه رشد اقتصادی، بلکه محرک فشارهای اجتماعی و سیاسی است. سالانه حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون جوان وارد بازار کار می‌شوند، در حالی که تنها حدود ۳.۱ میلیون فرصت شغلی رسمی ایجاد می‌شود؛ شکافی که بی‌اعتمادی سیاسی و احساس بی‌آیندگی را در میان

یادداشت

نقد ابوطالبی به اظهارات جدید سعید جلیلی

حمید ابوطالبی

نادیده گرفتن این تنوع و پیچیدگی، ما را از نقد واقعی مدرنیته دور می‌کند و به جای تحلیل ساختاری، به کلی گویی ایدئولوژیک می‌کشاند. مهم‌تر آن که رواج چنین نگاه‌هایی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، نه به تقویت خانواده در ایران، بلکه به تضعیف جامعه مدنی و حذف فضاهای خودانگیخته‌ی اجتماعی می‌انجامد. جامعه‌ای که میان خانه و محل کار فاقد فضاهای میانی باشد، جامعه‌ای شکننده است؛ و خانواده در چنین ساختاری، به جای استحکام، در انزوای آسیب‌پذیر فرو می‌رود.

جامعه‌ی تمیزه و ضرورت «اجتماع‌پذیری معنادار Socialization»

جامعه‌ی ایران در سال‌های اخیر نشانه‌های روشنی از متمیزه شدن اجتماعی را تجربه می‌کند؛ وضعیتی که در آن افراد پیوندهای ارگانیک خود با نهادهای سنتی را از دست می‌دهند، بی‌آن‌که جایگزینی نهادمند و پایدار برای آن شکل گرفته باشد. گریز تدریجی بخشی از جامعه، به‌ویژه نسل‌های جوان، از مسجد نه لزوماً به‌معنای گریز از دین، بلکه بیش از هر چیز واکنشی است به فقدان امکان اجتماع‌پذیری معنادار، افقی و غیرایدئولوژیک در این فضا.

اظهارات اخیر جناب جلیلی درباره‌ی «مکان سوم» و نسبت‌دادن آن‌ها به پارادایمی غربی در تعارض با فلسفه‌ی زوجیت اسلام، بیش از آن‌که واجد نقدی دقیق و منسجم از یک پدیده‌ی اجتماعی باشد، برداشتی تقلیل‌گرایانه و ناراست از هم جامعه‌شناسی مدرن و هم مبانی اندیشه‌ی اسلامی استوار است؛ برداشتی که در صورت گسترش، نه تنها به تقویت نهاد خانواده نمی‌انجامد، بلکه در عمل به تضعیف جامعه، انزوای اجتماعی و فرسایش پیوندهای جمعی منجر خواهد شد.

حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت یازدهم و دوازدهم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: جامعه‌ی در حال تحول؛ و نظریه‌ی «مکان سوم» (Third Place) «مکان سوم» نه خانه است و نه محل کار؛ بلکه فضایی میانجی برای گفت‌وگو، تعامل جمعی و تولید سرمایه‌ی اجتماعی است. به یاد می‌آورم در میدان روبه‌روی دانشگاه سوربن، کافه‌ای قدیمی با هویتی تاریخی وجود داشت که اساتید برجسته‌ی علوم اجتماعی و دانشجویان در آن گرد می‌آمدند و به بحث، مناظره و تبادل نظر می‌پرداختند؛ فضایی که نه خصوصی بود و نه رسمی، اما نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری اندیشه و پیوند اجتماعی ایفا می‌کرد.

بر اساس نظریه‌های اجتماعی، «مکان سوم» در طول تاریخ پاسخی بوده است به نیاز بنیادین انسان به اجتماع‌پذیری معنادار؛ نیازی که بدون آن، فرد دچار انزوا و جامعه دچار فروپاشی پیوندهای محلی می‌شود. این فضاها نه برای حذف خانواده شکل گرفته‌اند و نه برای جانشینی آن، بلکه برای ایجاد سطحی از پیوند اجتماعی که نه در حریم خصوصی خانه ممکن است و نه در مناسبات رسمی و کارکردی محل کار. فروکاستن «مکان سوم» به ابزاری برای ترویج فردگرایی، در واقع نادیده گرفتن صورت‌مسئله‌ی اصلی و وارونه‌سازی کارکرد تاریخی و اجتماعی آن است.

در واقع، مکان سوم پدیده‌ای مدرن یا صرفاً غربی نیست. در تمامی تمدن‌ها و در طول تاریخ، فضاهای جمعی متنوعی برای پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند: از معابد، مساجد، کلیساها و مراسم آیینی جمعی گرفته تا میدان‌ها، بازارها، ورزشگاه‌ها، تئاترها، حلقه‌های علمی، سینماها، قهوه‌خانه‌ها و کافه‌های هنری و فرهنگی. این فضاها امکان شکل‌گیری هویت جمعی، گفت‌وگو، هم‌حسی و تعلق اجتماعی را فراهم می‌کردند و همواره نقشی مکمل در کنار خانواده داشته‌اند، نه نقشی رقیب یا تهدیدکننده.

حتی در ادیان توحیدی، اوج اجتماع‌پذیری معنادار در قالب مناسک جمعی در معابد و مراکز دینی متجلی شده است؛ جایی که انسان‌ها در کنار یکدیگر، و نه در انزوای فردی یا صرفاً در چارچوب زوجیت، به تجربه‌ی معنا، اخلاق و پیوند اجتماعی دست می‌یابند. بدین معنا، زوجیت در سنت دینی هرگز به معنای قطع ارتباط اجتماعی یا حذف فضاهای جمعی نبوده، بلکه همواره در دل شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی، آیینی و اخلاقی معنا یافته است.

از این منظر، تقابل‌سازی میان «کافه» و «خانواده» یا میان «مکان سوم» و «زوجیت اسلامی»، نه ریشه در فهم تاریخی دین دارد و نه با منطق جامعه‌شناختی سازگار است؛ بلکه حاصل ناتوانی در درک نقش فضاهای میانجی در حفظ تعادل میان فرد، خانواده و جامعه است.

تصویرسازی ایدئولوژیک از «غرب»

این رویکرد، تصویرسازی از «غرب» به‌مثابه فاعلی منسجم با نقشه‌ای واحد برای فروپاشی خانواده، تحلیلی ساده‌انگارانه و غیرواقع‌بینانه است. بسیاری از نظریه‌های اجتماعی در غرب، خود واکنشی انتقادی به فردگرایی افراطی و بحران خانواده‌اند و دقیقاً در پاسخ به انزوای انسان مدرن شکل گرفته‌اند. نادیده گرفتن این تنوع و پیچیدگی، ما را از نقد واقعی مدرنیته دور می‌کند و به جای تحلیل ساختاری، به کلی‌گویی ایدئولوژیک می‌کشاند.

توجیه عدم شفافیت با مسائل امنیت ملی

عارف مطرح‌کرد:



به داده‌ها و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها تاکید کرد و ادامه داد: باید سیاست‌های اجرایی، قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها قابل پیش‌بینی باشد تا سرمایه‌گذار بدانند در کجا و در چه زمینه‌ای بتوانند سرمایه‌گذاری کنند. معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه اعتماد عمومی مهم‌ترین سرمایه اجتماعی است، گفت: به دنبال تنظیم‌گری هستیم تا مانع بی‌ثباتی بازار نشود. تقویت استقلال سازمان بورس، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و حرکت به سمت نظارت از الزامات ارتقای کیفیت حکمرانی در بازار بورس است.

عارف خاطرنشان کرد: باید از سلامت بازار صیانت کنیم و همه بخش‌ها را سالم سازی کنیم تا بستر رشد و نوآوری فراهم شود. باید از سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری مستقیم حمایت کنیم و برای جذب سرمایه‌های خرد تلاش کنیم و باید با سازوکاری از این منابع خرد وظیفه حاکمیتی است. معاون اول رئیس‌جمهور اضافه کرد: امروز در جذب سرمایه‌گذاری‌های خرد به دلیل تغییرات در قوانین که با هدف بهبود وضعیت بود اما نتیجه آن بی‌ثباتی شد، چالش داریم.

عارف با تاکید بر پیوند بورس با صنعت گفت: بازار سرمایه باید در پیوند با صنعت پیشتاز باشد و اولویت بر تامین سرمایه صنعت، حمایت از تولید و شرکت‌های دانش بنیان باشد تا در مسیر پروژه‌های اولویت‌دار ملی حرکت کنیم. وی ضرورت افزایش بهره‌وری، اشتغال پایدار و ثبات سیاست‌ها و مقررات را خاطر نشان ساخت و تصریح کرد: باید قوانین و مصوبات دولت و سیاست‌های اجرایی ثبات داشته باشد که هنوز در بسیاری از بخش‌های توسعه‌ای به این ثبات نرسیده‌یم که تورم قوانین و تصمیم‌گیری‌ها در کشور وجود دارد که زمینه را برای فساد فراهم می‌کند.

عارف با اشاره به اهمیت شفافیت، سلامت بازار و مقابله قاطع با تخلفات تاکید کرد: باید با هر گونه تخلفی به طور جدی برخورد کرد. در دولت خود را حامی بورس می‌داند و کوچکترین دخالت را جز برای کمک در روند بازار بورس نداشتی باشد. معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه باید از همه ظرفیت‌های بازار سرمایه برای پیشبرد مأموریت‌های ملی اجرای سند برنامه هفتم پیشرفت و حل مشکلات کشور استفاده کنیم، بیان کرد: امروز مسئله معیشت مهمترین دغدغه دولت است که می‌توانیم با کمک نظرات بازار بورس و نخبگان اقتصادی بر این شرایط اقتصادی فائق آییم.

عارف تاکید کرد: در دولت چهاردهم باور عمیق به نقش بازار سرمایه به ویژه در رشد اقتصادی، تامین مالی واحدهای تولیدی و کاهش فشار بر بازار بانکی داریم چراکه نتیجه فشار بر نظام بانکی تورم غیر اصولی و منطقی است که با اعمال سیاست‌های تکلیفی این وضعیت را هم اکنون شاهد هستیم

معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه دولت چهاردهم آمادگی خود را برای تقویت کارآمدی و شفافیت بازار بورس اعلام می‌کند، اضافه کرد: بازار بورس ستون تامین مالی پایدار و غیر تورمی در اقتصاد ملی است. امروز بیش از هر زمان نیازمندان سرمایه برای تامین مالی تولید، طرح‌های ملی و زیرساخت‌های اقتصادی هستیم و باید از شبکه بانکی به سمت بازار سرمایه هدایت کنیم.

عارف رشد اقتصادی، کاهش تورم و جذب سرمایه را از مهمترین اولویت‌های اقتصاد کشور برشمرد و گفت: اعتماد عمومی به بازار سرمایه یک سرمایه راهبردی است و باید سازوکارهای لازم برای اعتماد عمومی را به طور جدی دنبال کنیم. مردم در هر جایی که حضور آنان لازم باشد، حاضر هستند که در جنگ ۱۲ روزه دیدید این مردم با حضور با نشاط و با انگیزه خود مسیر جنگ را به طور کلی عوض کردند و باید تلاش کنیم اعتماد عمومی را در این بخش‌ها به دست آوریم و هیچ بازاری بدون اعتماد مردم پایدار نخواهد ماند.

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه رسیدن به پایداری اولویت ما در اقتصاد است که در این مسیر ثبات در تصمیم‌گیری‌ها حائز اهمیت اساسی است، ادامه داد: تصمیمات و اصلاحات چند دهه گذشته با نیت خیرخواهانه بود اما باعث بی‌ثباتی در جامعه شد که نمونه آن را در سپرده‌های ارزی شاهد هستیم.

عارف تاکید کرد: از نخبگان برای نفع‌های سازنده قدردانی می‌کنیم اما نقد باید همراه با پیشنهاد و راهکار باشد.

معاون اول رئیس‌جمهور بر ضرورت شفافیت اطلاعات، عدالت در دسترسی

معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه دولت خود را حامی بورس می‌داند و بازار سرمایه آینه شفافیت اعتماد عمومی به نظام اقتصاد کشور است، تصریح کرد: دولت چهاردهم آمادگی خود را برای تقویت کارآمدی و شفافیت بازار بورس اعلام می‌کند.

به گزارش ایسنا، محمدرضا عارف در آیین نواختن زنگ آغاز معاملات بورس که برای اولین بار در تاریخ بازار سرمایه صورت گرفت، با اشاره به اینکه سازمان بورس نقش کلیدی در توسعه و پیشرفت کشور دارد، افزود: برای قدردانی از زحمات و حمایت از بازار سرمایه که جز اولویت‌های دولت است به اینجا آمده‌ام و ما برنامه توسعه‌ای داریم که مهمترین دغدغه آن تامین منابع برای اجرای احکام برنامه هفتم پیشرفت است.

معاون اول رئیس‌جمهور تصریح کرد: ظرفیت لازم برای تامین منابع اجرای احکام برنامه هفتم پیشرفت را داریم که باید منابع و سرمایه‌های داخل کشور بالفعل شود. همچنین با سازوکاری منطقی سرمایه خارجی به ویژه سرمایه قابل توجه ایرانیان خارج از کشور در اختیار قرار گیرد که اگر سازوکار منطقی و اصولی را دنبال کنیم، کار مشکلی نخواهد بود.

عارف با تاکید بر اینکه بازار سرمایه جایگاه ارزشمند در اقتصاد ملی دارد که باور داریم باید جایگاه آن ارتقا یابد تا در اقتصاد کشور نقش آفرین باشد، بیان کرد: بازار سرمایه آینه شفافیت اعتماد عمومی به نظام اقتصاد کشور است و جذب سرمایه از چالش‌های اقتصادی کشور بود که امروز در مسیر اصلاح ساختارهای اقتصادی، ارتقای شفافیت و برنامه‌ریزی اقتصادی هستیم.

معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه بازار سرمایه نقش مهم و محوری در هدایت نقدینگی و رشد پایدار دارد، افزود: برای بازار بورس یک ظرفیت ملی و فراتر از دولت در تامین و جذب سرمایه قائل هستیم. سرمایه فرار است و به جایی می‌رود که به آنجا اطمینان داشته باشد که باید این اطمینان و انگیزه و شرایط را برای در اختیار گرفتن سرمایه‌ها دنبال کنیم.

ادامه یادداشت

مهم‌تر آن که رواج چنین نگاه‌هایی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، نه به تقویت خانواده در ایران، بلکه به تضعیف جامعه مدنی و حذف فضاهای خودانگیخته‌ی اجتماعی می‌انجامد.

جامعه‌ای که میان خانه و محل کار فاقد فضاهای میانی باشد، جامعه‌ای شکننده است؛ و خانواده در چنین ساختاری، به‌جای استحکام، در انزوای آسیب‌پذیر فرو می‌رود.

جامعه‌ی تمیزه و ضرورت «اجتماع‌پذیری معنادار Socialization»

جامعه‌ی ایران در سال‌های اخیر نشانه‌های روشنی از متمیزه شدن اجتماعی را تجربه می‌کند؛ وضعیتی که در آن افراد پیوندهای ارگانیک خود با نهادهای سنتی را از دست می‌دهند، بی‌آن‌که جایگزینی نهادمند و پایدار برای آن شکل گرفته باشد. گریز تدریجی بخشی از جامعه، به‌ویژه نسل‌های جوان، از مسجد نه لزوماً به‌معنای گریز از دین، بلکه بیش از هر چیز واکنشی است به فقدان امکان اجتماع‌پذیری معنادار، افقی و غیرایدئولوژیک در این فضا.

زیرا مسجد، که در سنت تاریخی اسلام یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، آموزشی و گفت‌وگویی بوده، در تجربه‌ی معاصر ایران به‌تدریج به نهادی عمومی، هنجارگذار و نظارت‌محور تقلیل یافته است؛ نهادی که بیش از آن‌که مجال «بودن با دیگری» را فراهم کند، از فرد انتظار «هم‌شکلی» دارد. در چنین

وضعیتی، فرد متمیزه‌شده به‌جای ادغام در جمع، احساس حذف و بیگانگی می‌کند. در مقابل، روی‌آوری به مکان سوم را باید نه به‌مثابه دل‌بستگی به سبک زندگی غربی، بلکه به‌عنوان تلاشی حداقلی برای بازسازی امکان اجتماع‌پذیری معنادار فهم کرد. «کافه» با همسه‌ی محدودیت‌ها و کاستی‌های احتمالی‌اش، فضایی است که در آن گفت‌وگو، انتخاب و حضور داوطلبانه امکان‌پذیر است؛ فضایی که فرد می‌تواند بدون برجسب‌گذاری پیشینی، «خود» باشد و با «دیگری» وارد تعامل شود. این جابه‌جایی مکانی، نشانه‌ی یک خلأ نهادی عمیق است:

هنگامی که نهادهای سنتی از کارکرد اجتماعی و پیوندساز خود تهی می‌شوند، جامعه ناگزیر به خلق فضاهای جایگزین - حتی اگر شکننده و غیررسمی باشند - روی می‌آورد. لذا مسئله‌ی اصلی، نه کافه است و نه مسجد، بلکه ناتوانی ساختارهای رسمی در پاسخ‌گویی به نیاز بنیادین انسان به اجتماع‌پذیری معنادار است؛ نیازی که اگر نادیده گرفته نشود، جامعه را هر چه بیشتر به سوی اتمیزه‌شدن و گسست اخلاقی سوق خواهد داد.

جامعه‌زدایی ایدئولوژیک؛ خطای راهبردی

افزون بر این، هم‌اکنون دانستن «کافه» با تهدید فلسفه‌ی زوجیت اسلام، ریشه در سوءفهم معنای زوجیت دارد. زوجیت در اندیشه‌ی اسلامی، اصلی هستی‌شناختی و اخلاقی است که بر تعادل، پیوند و

تکامل متقابل دلالت می‌کند؛ نه بر حذف فردیت و نه بر نفی زیست اجتماعی خارج از خانواده. اگر هر نوع حضور اجتماعی بیرون از چارچوب خانواده به‌مثابه تعارض با زوجیت تلقی شود، آنگاه بخش بزرگی از سنت تمدنی اسلام - از مسجد و بازار گرفته تا حلقه‌های علمی و محافل گفت‌وگو - نیز باید محل تردید قرار گیرد؛ نتیجه‌ای که آشکارا با تاریخ اجتماعی اسلام ناسازگار است.

در نهایت، دفاع از خانواده و فلسفه‌ی زوجیت اسلامی، با حذف یا تخریب فضاهای اجتماعی محقق نمی‌شود. این رویکرد، بیش از آن‌که حافظ خانواده باشد، صورت‌بندی‌ای از «جامعه‌زدایی ایدئولوژیک» است که به منزوی‌سازی هر چه بیشتر افراد و تهی‌سازی زیست اجتماعی می‌انجامد؛ غافل از آن‌که خانواده تنها در دل جامعه‌های زنده، متکثر و برخوردار از امکان اجتماع‌پذیری معنادار معنا می‌یابد؛ نه در جامعه‌ای که هر شکل از تعامل اجتماعی، به‌سهولت ذیل عنوان «پروژه‌ی غرب» برای حذف و سرکوب تقلیل داده می‌شود.

انتقال انزواگرایی سیاسی به منزوی‌سازی اجتماعی

فراتر از سطح یک مناقشه‌ی فرهنگی یا اجتماعی، خطر جدی نهفته در این گونه اظهارات، انتقال منطق انزواگرایی از عرصه‌ی سیاست خارجی به حوزه‌ی زیست اجتماعی است؛ فرآیندی که در آن، انزوای تحمیلی یا خودخواسته در نظام

بین‌الملل، به تدریج به منزوی‌سازی درونی جامعه تسری می‌یابد. این همان منطقی است که پیش‌تر در عرصه‌ی دیپلماسی و سیاست خارجی، با تقلیل تعامل به تهدید و گفت‌وگو به امتیازدهی، هزینه‌های راهبردی سنگینی بر کشور تحمیل کرد و اکنون نشانه‌های بازتولید آن را می‌توان در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی مشاهده کرد.

در این منطق، همان‌گونه که تعامل خارجی به‌عنوان تهدید تعریف می‌شود، تعامل اجتماعی نیز به امری مشکوک، مسئله‌دار یا «غیرخودی» فروکاسته می‌شود.

نتیجه‌ی چنین رویکردی، نه تقویت هویت دینی و نه استحکام خانواده، بلکه اتمیزه‌شدن جامعه، فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و تضعیف ظرفیت گفت‌وگو است؛ وضعیتی که در نهایت، هم توان مقاومت ملی را کاهش می‌دهد و هم امکان بازتولید معنا و اخلاق را در بطن جامعه محدود می‌سازد.

در نهایت:

جامعه‌ای که از تعامل می‌هراسد - چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح اجتماعی - نه امن‌تر می‌شود و نه اخلاقی‌تر؛ بلکه تنها ظرفیت‌تر، شکننده‌تر و ناتوان‌تر از بازسازی خود خواهد شد. دفاع از هویت، دین و خانواده، نه با بستن درهای گفت‌وگو، بلکه با بازآفرینی فضاهای تعامل معنادار و بازگرداندن توازن میان فرد، جامعه و حکومت ممکن است.

«اجماع سازی مصنوعی» علیه ایران



محمد مهدی مظاهری

هر چند در بحبوحه مشکلات داخلی و خارجی متعدد ایران در ماههای اخیر، ادعای مکرر و بی اساس شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در بیانیه اخیر آن مورخ ۱۲ آذر ۱۴۰۴ درباره مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه گانه ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک)، در نگاه اول تکرار یک موضع نخنما و مشکلی دست چنم به نظر می رسد، اما با بررسی عمیق تر تحولات منطقه و ادبیات بیابانه، می توان دریافت که این صرفاً یک ادعای ارضی قدیمی نیست، بلکه بخشی از یک استراتژی جدید فشار ترکیبی است که هدف آن «ارتقای سطح مناقشه» و «اجماع سازی مصنوعی» علیه ایران در سطوح بین المللی است.

نکته جدید و قابل توجه در بیانیه اخیر GCC، جسورانه تر و تفصیلی تر شدن لحن آن است. در این بیانیه، تقریباً هر اقدام ایران برای اعمال حاکمیت میدانی بر جزایر، از جمله ساخت و ساز واحدهای

مسکونی و توسعه زیرساختی در ابوموسی؛ رفت و آمد مقامات ارشد نظامی و برگزاری رزمایش های دوره ای و ثبت رسمی «روز ملی جزایر سه گانه» در تقویم کشور، به صراحت «نقض حقوق امارات» و «باطل و بی اثر» خوانده و محکوم شده است.

این تغییر رویکرد نشان می دهد که ابوظبی تلاش دارد تا مناقشه را از سطح یک اختلاف موضع محور (که صرفاً یک ادعای سیاسی بود) به یک پرونده امنیتی - حقوقی بین المللی ارتقا دهد. هدف اصلی امارات از این اجماع سازی در چارچوب GCC، نه بردن پرونده به دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) - که بدون رضایت ایران تقریباً ناممکن است - بلکه طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل است.

زمان بندی این ادعای تند نیز معنادار است: فضای تنش بین المللی: امارات تلاش می کند در سایه شکاف های عمیق میان ایران و قدرت های غربی (به ویژه در پی تنش های پس از جنگ غزه و بحث هایی مانند فعال سازی مکانیسم ماشه/ انسپک) یک «اجماع مصنوعی بین المللی» علیه ایران ایجاد کند.

پیوند دادن با امنیت منطقه ای: با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک جزایر در کنترل تنگه هرمز و نقش آنها در تأمین امنیت انرژی جهانی، امارات می کوشد این مناقشه را به موضوعی فراتر از یک اختلاف مرزی ساده تقلیل داده و آن را به تهدید صلح و امنیت منطقه ای گره بزند تا برای طرح در شورای امنیت با دست کم صدور یک قطعنامه غیرالزام آور، زمینه سازی کند.

پاسخ به تحرکات ایران: ایران در سال های اخیر با توسعه فعالانه تر زیرساخت ها و افزایش حضور نظامی-سیاسی در جزایر، بر حاکمیت بلامنازع خود تأکید کرده است. بیانیه جدید GCC واکنشی به این اقدامات قاطع میدانی ایران برای تحکیم حقوقی و عملی حاکمیت خود است. در برابر این استراتژی جدید فشار ترکیبی، واکنش ایران باید مبتنی بر سه رکن اصلی باشد:

۱. حضور میدانی قاطع؛

مهم ترین عامل در حقوق بین الملل، اعمال مؤثر و مستمر حاکمیت است. ایران باید: تا دوام و تسریع در توسعه جزایر ایرانی؛ پیشبرد سریعتر پروژه های عمرانی، توسعه زیرساخت های اقتصادی و خدمات شهری با محوریت اقتصاد دریا، لجستیک، انرژی، آموزش، بهداشت و گردشگری فعال در جزایر سه گانه و ارائه امتیازات ویژه جهت اسکان دائمی شهروندان در این جزایر باید به یک اولویت ملی تبدیل شود (بر اساس ماده ۶۱ قانون برنامه هفتم توسعه)

تثبیت فرهنگ ایرانی در جزایر: این رویکرد مستلزم در هم تنیدن عمیق تر هویت مردم جزایر سه گانه با هویت ملی از طریق سرمایه گذاری فرهنگی است. این طرح شامل برگزاری رویدادهایی مانند «جشنواره ملی موسیقی بومی خلیج فارس» در جزایر سه گانه، توسعه دیوارنگاری ها و تندیس های هنری با مضمون میراث دریانوردی ایرانی، تأسیس «کتابخانه های تخصصی و مراکز فرهنگی» برای ترویج تاریخ و فرهنگ مشترک و انتخاب جوانان تحصیل کرده

و با استعداد محلی به عنوان «سفیران فرهنگی جزایر» برای حضور در کنفرانس ها و رویدادهای فرهنگی مهم کشوری جهت مشارکت و پیوند دادن هر چه بیشتر مردم این منطقه با ساختار فرهنگی دولت مرکزی. هدف نهایی این راهبرد ایجاد یک بازدارندگی نرم و پایدار از طریق تقویت حس تعلق خاطر عمیق و تزلزل ناپذیر در مردم منطقه به عنوان قوی ترین لایه دفاعی مرزهای آبی ایران است.

تقویت بازدارندگی؛ اقدامات اقتصادی و فرهنگی ایران باید همزمان با حضور محافظتی و تأمین امنیتی لازم و توجیه شده در آب های سرزمینی همراه باشد تا به شکل عملی نشان دهد که هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود، مستقیماً با اراده و عزم ملی ایران برای حفظ تمامیت ارضی کشور مواجه خواهد شد.

۲. دیپلماسی فعال و هوشمندانه؛

ایجاد موانع حقوقی در برابر امارات؛ تأکید بر عدم پذیرش هرگونه مذاکره بر سر «تمامیت ارضی» کشور و رد صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری برای ورود به این موضوع، موضع حقوقی ایران را در برابر کشورهای همسایه مستحکم می سازد. ایجاد تفرقه در شورای همکاری خلیج فارس؛ ایران باید از طریق دیپلماسی اقتصادی و توسعه منافع مشترک در منطقه، به ویژه با کشورهای تأثیر گذارتر GCC (غیر از امارات)، یکدستی و یک صدایی موجود در شورای همکاری خلیج فارس علیه جزایر ایرانی را از بین ببرد و هزینه سیاسی-اقتصادی همراهی آن ها با ادعاهای امارات را

افزایش دهد. فاصله اندازی بین چین و روسیه و ادعاهای GCC؛ رازینی، مذاکره و بده-ستان با قدرتهای بزرگی همچون روسیه و چین برای جلوگیری از همراهی آنها با ادعاهای ارضی امارات و به ویژه رأی احتمالی آنها برای طرح قضیه در شورای امنیت. ۳. جنگ روایت ها؛

روایت تاریخی و حقوقی؛ تولید و انتشار گسترده محتوای چندزبانه (عربی و انگلیسی) در رسانه ها و مجامع دانشگاهی بین المللی، با تأکید بر اسناد تاریخی اثبات کننده حاکمیت دیرینه ایران و تولد امارات متحده عربی پس از تثبیت حاکمیت ایران بر این جزایر در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱).

رسوایی نقش های خارجی؛ افشای نقش بازیگران فرامنطقه ای و مشخصاً رژیم صهیونیستی در تحریک این مناقشات، می تواند حمایت عمومی در جهان عرب را کاهش داده و حکام را در اتخاذ مواضع تند محدود کند.

در نهایت باید گفت؛ بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس، گرچه تکراری است، اما نشانگر آغاز فاز جدیدی از فشار سازمان یافته علیه ایران است. در چنین شرایطی، تهران باید با ترکیبی از قدرت میدانی، هوشیاری دیپلماتیک و تسلط بر روایت تاریخی و حقوقی، نه تنها به صورت کلامی بلکه با اقدامات عملی (توسعه و اسکان)، بر حاکمیت بلامنازع خود بر جزایر سه گانه تأکید کند تا این تلاش های بی اساس برای اجماع سازی مصنوعی و پرونده سازی بین المللی علیه کشورمان را خنثی سازد.

نمادها در عرض چند ساعت منتقل و باز تولید می شوند.

۷. تحلیل نهایی

نسل Z به عنوان بازیگر تغییر قدرت در آفریقا تحولات ماداگاسکار چند نکته اساسی را روشن می کند:

۱. نسل Z موتور جدید سیاست ورزی است؛ این نسل نه به احزاب وفادار است و نه در چارچوب های سنتی کنش سیاسی فعال می شود؛ بلکه شبکه محور، افقی و مبتنی بر مشارکت هم زمان است.

۲. مشروعیت سیاسی در آفریقا سیال و شکننده شده؛ وقتی دولت نتواند خدمات پایه را ارائه دهد، مشروعیت آن ظرف چند هفته یا حتی چند روز فرومی پاشد.

۳. ارتش همچنان بازیگر تعیین کننده است؛ اما نسل Z به سرعت متوجه مداخله گری نظامیان می شود و تلاش می کند از مصادره انقلاب جلوگیری کند.

۴. خواسته اصلی: یک قرارداد اجتماعی جدید؛ نسل Z خواهان حکمرانی پاسخگو، رشد فراگیر، حاکمیت ملی واقعی و کاهش فساد است.

۵. ماداگاسکار آغاز یک موج است، نه یک استثنا؛ اگر روندهای اقتصادی و حکمرانی در آفریقا اصلاح نشوند، جنبش های مشابه احتمالاً در دیگر کشورها نیز به تغییرات اساسی منجر خواهند شد.

در مجموع ماداگاسکار تصویری فشرده از بحران های ساختاری و ظرفیت های جدید کنشگری در آفریقا است. نسل Z، به دلیل ترکیب جمعیت شناسی جوان، آگاهی دیجیتال و فشارهای شدید اقتصادی، در حال تبدیل شدن به بازیگر اصلی سیاست قاره است؛ بازیگری که می تواند رژیم ها را سرنوگون کند، خواسته های ساختاری را مطرح سازد و مشروعیت سنتی را به چالش بکشد.

با این حال، نقش ارتش و شکنندگی نهادهای مدنی نشان می دهد که گذار به یک نظم سیاسی پایدار هنوز نامطمئن است. در نهایت، گذار آفریقا نیازمند بازتعریف رابطه دولت - جامعه و ساختن قرارداد اجتماعی جدیدی است که بر حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی و توسعه فراگیر استوار باشد.

نسل زد و مطالبات متفاوت

ظهور کنشگری دیجیتال در آفریقا



بحران مزمن

۳.۱. فقر ساختاری و ناکامی دولت ماداگاسکار یکی از فقیرترین کشورهای جهان است و ۷۵ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند. تنها ۵ درصد مردم در مشاغل رسمی فعالیت دارند. طی پانزده سال حکومت راجولینا، رشد اقتصادی محدود و نابرابر بوده است. کمبود آب، قطعی برق و فرسودگی زیرساخت ها، به نماد ناتوانی دولت تبدیل شد.

۳.۲. فاصله نخبگان و مردم در مقابل فشارهای عمومی، سبک زندگی تجملی خانواده راجولینا و هزینه پروژه هایی که نیازهای اساسی مردم را برطرف نمی کردند (مانند تله کابین ۱۵۲ میلیون دلاری)، شکاف میان دولت و جامعه را آشکارتر کرد.

۳.۳. بحران مشروعیت و میراث تبعیت از قدرت استعماری افشای تابعیت فرانسوی راجولینا در سال ۲۰۲۳، و خروج هوایی او در بحبوحه اعتراضات با کمک نیروی نظامی فرانسه، برای بسیاری از شهروندان نماد روشن «وابستگی نخبگان به مراکز قدرت خارجی» بود. این امر خشم نسل Z را تشدید کرد و گفتمان «استقلال واقعی» را به هسته مطالبات آنها تبدیل کرد.

۴. جنبش نسل Z در ماداگاسکار: از بحران خدمات عمومی تا خیزش سیاسی

۴.۱. ظهور «نسل Z۲۶۱» و گسترش مطالبات جنبش نسل Z ماداگاسکار (شناخته شده با برچسب #۲۶۱) ابتدا در واکنش به بحران آب و برق شکل گرفت، اما به سرعت به جنبشی برای تغییر ساختاری تبدیل شد. این جنبش نه ایدئولوژی حزبی داشت و نه رهبران رسمی؛ اما توانست خواسته های مشخصی مانند مبارزه

کرده است.

۵. مداخله نظامی و سیالیّت مشروعیت

در ماداگاسکار در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵، CAPSAT با تصرف مراکز قدرت در آنتاناناریوو انتقال سیاسی را رقم زد و سرهنگ راندریانیرینا به ریاست جمهوری رسید. هرچند بسیاری از معترضان این تحول را «نتیجه فشار خیابانی» می دانستند، اما اقدامات اولیه دولت جدید - از جمله انحلال نهادهای سیاسی - نشان داد که ماداگاسکار ممکن است وارد مرحله ای از گذار نامنظم و بدون نقشه راه شده باشد. جالب آنکه نسل Z بلافاصله نسبت به انتصاب نخست وزیر نظامی اعتراض کرد و با فشار میدانی، دولت را وادار به تغییر او نمود. این واکنش نشان داد که نسل Z تنها به تغییر چهره ها بسنده نمی کند و به دنبال بازتعریف ساختار قدرت است، نه صرفاً انتقال قدرت.

۶. ماداگاسکار در چارچوب الگوی قاره ای از نارضایتی تا تغییر نظام سیاسی رخ دادهای ماداگاسکار با الگوهای اعتراضی کنیا، مراکش، نیجریه و غنا تطابق آشکاری دارد. عناصر مشترک عبارتند از: الف. اقتصاد تحت فشار؛ تورم، بحران خدمات عمومی؛ کاهش ارزش پول و نابرابری گسترده. ب. شکاف نسلی؛ نسل جوان نه با احزاب سیاسی سنتی، بلکه با شبکه های دیجیتال بسیج می شود. ج. افول مشروعیت نخبگان؛ احزاب و دولت ها به عنوان بخشی از مشکل درک می شوند، نه راه حل. د. حضور پررنگ ارتش در سیاست؛ ارتش ها در برخی کشورها خود را «پاسخ به نارضایتی مردمی» معرفی می کنند و از خلأ مشروعیت بهره می برند. ه. سیاست دیجیتال و سرعت تکثیر اعتراض؛ اطلاعات، روایت ها و

سیروس حاجی زاده

این شرایط، زمینه های برای شکل گیری جنبش های نسل محور و بازآرایی قدرت در سطح ملی و حتی منطقه ای فراهم می کند، زیرا جمعیت جوان، با ابزارهای دیجیتال و شبکه ای، قادر است نهادهای سنتی قدرت را به چالش کشیده و معادلات سیاست داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار دهد.

۲.۲. شکنندگی حکمرانی و کاهش مشروعیت بر اساس داده های شاخص ابراهیم (Ibrahim Index of African Governance (IIAG))

طی یک دهه گذشته کیفیت حکمرانی در بسیاری از کشورهای آفریقایی با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. کاهش امنیت، تضعیف حاکمیت قانون و محدود شدن فضای دموکراتیک موجب شده است که جوانان نه تنها فرصت های اقتصادی، بلکه امید سیاسی خود را نیز از دست بدهند. فساد ساختاری، جریان های مالی غیرقانونی و گسترش شکاف میان نخبگان و اکثریت جمعیت، اعتماد نسل Z به احزاب سیاسی و نهادهای رسمی را تضعیف کرده و این گروه جمعیتی را به ارزیابی این نهادها به عنوان ابزارهای ناکارآمد و فاقد توانایی اصلاح گری سوق داده است. این بحران مشروعیت، ظرفیت جوانان برای بسیج اجتماعی و اثرگذاری بر سیاست داخلی و حتی تعاملات منطقه ای را افزایش داده و نشان دهنده بازتعریف قواعد قدرت و مشروعیت در آفریقا است.

۲.۳. فرسودگی اقتصادی؛

تورم، کاهش ارزش پول و هزینه های زندگی بسیاری از کشورهای آفریقایی از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ دوره ای از تورم شدید، کاهش ارزش پول ملی و رشد قیمت مواد غذایی و انرژی را تجربه کردند. این وضعیت زندگی طبقه متوسط پایین و خانوارهای جوان را بیش از همه تحت فشار قرار داد. اعتراضات کنیا علیه لایحه مالیاتی ۲۰۲۴، اعتراضات نیجریه علیه هزینه های معیشتی و بسیج دیجیتال جوانان در مراکش برای اصلاح خدمات عمومی، همگی نمونه هایی از این شکاف فزاینده اقتصادی اند.

۳. الگوی ماداگاسکار: اقتصاد سیاسی یک

در آستانه افتادن در «تله فقر» هستیم



آنجایی که درآمدهای نفتی در دسترس نیست، بحران موجود تشدید خواهد شد. این اصلاحات نیازمند البته یک اقتدار حداکثری و اجماع بزرگ در سطح حاکمیتی است. امروز متأسفانه به نظر می‌رسد با دولتی مواجهیم که کارها را زمین گذاشته و منفعل است. گروهی هم اقتصاد کشور را گروگان گرفته‌اند، از این محل به درآمدهای افسانه‌ای و ثروتهای نجومی رسیده‌اند و زیرساختها هم در حال فرسوده شدن است. در این شرایط طبیعی ترین اتفاق جهش‌های قیمت و شوکهای ارزی است.

به نظر می‌رسد تورم سر باز ایستادن ندارد. تا پایان امسال چه نرخ برای تورم و برای دلار پیش‌بینی می‌کند؟

معتمد تا پایان سال تورم نقطه ای اسفند بین ۵۵ تا ۶۰ درصد خواهد بود و نرخ تورم سالانه هم نهایتاً به حدود ۴۵ درصد خواهد رسید. نرخ دلار هم فکر می‌کنم در کانال ۱۳۷ هزار تا ۱۴۰ هزار تومانی قرار بگیرد.

برای سال بعد چه پیش‌بینی دارید؟

در مورد سال آینده به شدت نگران و بیمناکم زیرا اگر اصلاحات اقتصادی آغاز نشود، ممکن است اقتصاد به طور کلی از کنترل خارج شود و اقتصاد به طور کامل دلاریزه شود. یعنی مردم برای تأمین تمام مایحتاج خود به جای استفاده از ریال سراغ استفاده از دلار یا طلا خواهند رفت. باور دارم بدون اصلاحات اقتصادی ما در این مسیر حرکت می‌کنیم. در نتیجه تورم در سال بعد به عوامل گوناگونی وجود دارد و امکان وقوع ابرتورم بسیار محتمل است.

یعنی فکر می‌کنید تورم به بیش از ۱۰۰ درصد خواهد رسید؟

به هر حال وقتی تورم از مدار ۶۰ یا ۷۰ درصدی بیشتر می‌شود، ممکن است ناگهان فنر تورمی در برود و ارقامی برای تورم به ثبت برسند که امروز ناممکن و محیرالعقول به نظر برسد. کسی دو ماه پیش فکر نمی‌کرد دلار ۱۳۰ هزار تومان شود و امروز شده است. برای سال ۱۴۰۵ این جهش‌ها می‌تواند ابعادی چند برابر جهش‌های امروز پیدا کند.

پس می‌توانیم بگوییم در سال آینده بخش بزرگتری از جامعه به زیر خط فقر بروند و مثلاً نیمی از ایرانیان فقیر محسوب خواهند شد؟

ببینید امروز گفته می‌شود بیش از ۳۰ درصد از مردم ایران زیر خط فقر هستند. یعنی از هر سه ایرانی لااقل یک نفر درگیر تأمین حداقل‌های یک زندگی است. فقر محصول تورم است و هر قدر تورم شدیدتر شود، نرخ فقر را افزایش خواهد داد و بر میزان فقر می‌افزاید.

برآوردهای من نشان می‌دهد تورم ۶۰ درصدی، حداقل دو میلیون نفر را به زیر خط فقر خواهد برد.

روز بر بحرانها می‌افزاید. همانطوری که پیش‌تر هم توضیح دادم کسری بودجه و بدهی دولت به شکل فزاینده رشد می‌کند، این نیز به رشد نااطمینانی‌ها، نقدینگی و فشار بر بانک‌ها می‌انجامد که حاصل آن هم به شکل تورم بالا و شوک‌های پی در پی ارزی منجر می‌شود.

به باور من نباید جهش‌های تورمی مانند بیماری تب، علائم یک بیماری و معلول اختلالات دیگری هستند؛ از این جهت تب می‌تواند حتی خوب باشد چون خبر از ضرورت درمان جدی می‌دهند. این شوک‌های ارزی و تورم، با این نگاه، می‌تواند از پشت پرده مشکلات خبرهایی بدهند و ضرورت اقدامات مشخص اصلاحی را تعیین کنند.

آقای شقاقی شما تأکید می‌کنید که این سیاه چاله موجود، از گذشته وجود داشته است ولی تا به امروز شدت تورم و شوک‌های ارزی به این اندازه نبوده است، چه چیزی تبعات منفی این سیاه چاله را به این شدت رسانده است؟ من فکر می‌کنم تحریم‌ها به تشدید بحران منجر شده است چرا که امکان استفاده از مسکن برای خاموش کردن درد را از بین برده و زمینه تشدید بحران‌ها را فراهم کرده است.

انفعال دولت و دستگاه تصمیم‌گیری چه نقشی در تشدید مشکلات دارد؟

من نقش این انفعال را پررنگ می‌دانم. گرچه معتقدم که اصلاحات ساده نیست و یادشوارهای زیادی رو به‌رو خواهد شد. تداوم انفعال در مقابل این سیاه چاله موجب می‌شود تا سطح ناترازی‌ها و مشکلات به طور تصاعدی بالاتر برود. متأسفانه همانطوری که گفتید دولت جدید لازم برای مقابله با ذی نفعان را ندارد و به همین اعتبار فکر نمی‌کنم تصمیم سختی اتخاذ کند و این وضعیت دگرگون شود.

انفعال دولت به جایی رسیده که یک شرکت واردکننده در حوزه مواد غذایی، اخیراً دستگاه اجرایی را سرکار گذاشت و تا زمانی که به خواسته‌هایشان تن دادند، یعنی این شرکت خیلی صریح به دولت اعلام کرد اگر ارز ترجیحی ندهد، اینها هم واردات را متوقف می‌کنند. می‌دانیم که اگر مواد غذایی و نهاده‌های دامی به موقع وارد کشور نشوند، کشور دچار بحران در امنیت غذایی می‌شود و این شرکتها چنان قدرتی دارند که در نهایت دولت تسلیم آنها می‌شود.

به زبان ساده‌تر این ذی نفعان چنان قدرت و نفوذی دارند که کل اقتصاد را گروگان گرفته‌اند و بر اساس منافع خود تصمیمات را تحمیل یا القا می‌کنند. اینکه امروز چنان اقتصاد ما رها شده که نرخ هر دلار به بیش از ۱۳۱ هزار تومان و نرخ هر سکه به بیش از ۱۴۲ میلیون تومان رسیده، از همین ناشی می‌شود. در این شرایط اگر دولت نتواند به این منافع و آن سیاه چاله حمله کند، از

باید در بخش واقعی اقتصاد اصلاحات آغاز شود. **تحریم در وضعیت فعلی چه نقشی در تشدید بحران‌ها داشته است؟**

باید بپذیریم که هم شدت تحریم‌ها و هم تداوم آن ما را دچار مشکلات زیادی کرده‌اند. البته من نقش سیاستهای انحصاری، دستوری، غیر رقابتی، رانتی و بخش شبه دولتی در بحرانهای امروز را نفی نمی‌کنم زیرا این‌ها کشور ما را به یک «سیاه چاله» اقتصادی برده‌اند که در دو سه دهه اخیر فقط بحران ساخته است. این سیاه چاله به ایجاد بحرانهایی چون آب، فرونشست زمین، صندوق‌های بازنشستگی، شبکه بانکی و فرسودگی زیرساخت‌ها دامن زده است.

تحریم موجب شده که این سیاه چاله قابل انهدام به روش‌های تاکتونی نباشد. زیرا تا پیش از این دولتهای ایران از طریق درآمدهای نفتی خود تا حدی این بیماری را تسکین می‌دادند اما تحریم‌ها این امکان را از سیاستگذار ما سلب کرده و همین موجب شده تا این بحرانها به شکل همزمان با هم، در یک تقاطع، تشدید شوند و مشکلات را دو چندان کنند.

این سیاه چاله کدام بحرانها را تشدید کرده است؟

این سیاه چاله موجب شده تا کسری بزرگی در بودجه ایجاد شود که به افزایش بدهی‌های دولتی انجامیده‌اند. در نهایت این دو چالش به افزایش چشمگیر تورم و رشد بی‌ثباتی‌های اقتصادی منجر می‌شود و این در شرایطی است که دولتهای ما و به طور خاص هم دولت سیزدهم و هم دولت چهاردهم تنها از طریق اتکا به سیاستهای انقباضی پولی می‌خواهند در مقابل ناآرامی‌ها، اقدامی بکنند. حال آنکه به وضوح مشخص است این سیاست یک جانبه، به تنهایی تاب مقاومت در مقابل انواع شوک‌های ارزی و جهش‌های تورمی را ندارد.

نیاز امروز اقتصاد ما چیست؟

نیاز ما این است که قبل از هر چیز در بخش واقعی و به طور خاص در بخش مالی اقتصاد، بتوانیم تصمیمات سختی را اتخاذ کنیم. این تصمیمات از آنجایی سخت هستند که در اقتصاد امروز ایران ذی نفعان پرنفوذ و قدرتمندی شکل گرفته‌اند که مانع هر نوع اصلاحات می‌شوند. این در حالی است که بدون انهدام این سیاه چاله شکل گرفته، بخش واقعی اقتصاد ناچاراً باقی می‌ماند و مانند گذشته تنها بحران می‌سازد.

منظور شما این است که سیاه چاله مورد بحث ذی نفعانی دارد که از وجود این بحرانها نفع می‌برند؟

به طور قطع همین طور است. این سیاه چاله ذی نفعان خود را دارد که از قضا مهم‌ترین مانع اصلاحات ساختاری و اتخاذ تصمیمات دشوار هستند و این در حالی است که این وضعیت هر

یک کارشناس اقتصادی در پیش‌بینی نگران کننده‌ای تأکید کرد ممکن است سال آینده اقتصاد از کنترل خارج شود و نرخ تورم بیش از ارقامی شود که تاکنون تجربه شده و همزمان تصریح کرد که رشد اقتصادی در ۱۴۰۵ می‌تواند تا ۵- درصد هم کاهش یابد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگار این اقتصاد ایران در حالی که سه سال از شوک ارزی ۱۴۰۱ دور شده، در آستانه شوک‌های تازه‌ای قرار گرفته است. به دلایلی چون کسری بودجه و کاهش درآمدهای ارزی، تغییراتی را در نرخ ارزهای رسمی و غیررسمی شاهد هستیم. این در شرایطی است که در اقتصاد ایران هر گاه افزایش نرخ ارز اتفاق افتاده، تورم به شدت بالا رفته است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که تورم در آبان ماه دوباره از ۴۰ درصد گذشته و به ویژه در بخش مواد غذایی تورم به حوالی ۷۰ درصد هم رسیده است. در این رابطه وحید شقاقی، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی و اقتصاددان با بیان اینکه اقتصاد ایران در یک سیاه چاله قرار دارد، می‌گوید: این سیاه چاله ذی نفعان خود را دارد که از قضا مهم‌ترین مانع اصلاحات ساختاری و اتخاذ تصمیمات دشوار هستند و این در حالی است که این وضعیت هر روز بر بحران‌ها می‌افزاید. همانطوری که پیش‌تر هم توضیح دادم کسری بودجه و بدهی دولت به شکل فزاینده رشد می‌کند، این نیز به رشد نااطمینانی‌ها، نقدینگی و فشار بر بانک‌ها می‌انجامد.

شقاقی در بخش دیگری از گفتگوی خود هشدار داد اگر نرخ فقر از ۴۰ درصد بیشتر شود، کشور درگیر «تله فقر» خواهد شد. این در حالی است که بانک جهانی پیش‌بینی کرده در سال آینده نرخ فقر در کشور به این رقم برسد و با توجه به احتمال تورم بالا در سال آینده، چنین اتفاقی محتمل به نظر می‌رسد.

مشروح گفتگوی شقاقی با خبرنگار آنلاین را می‌توانید در ادامه بخوانید. این روزها به طور روزمره نرخ دلار و طلا افزایش پیدا می‌کند و همزمان با آن قیمت تمام کالاهای مصرفی از جمله لبنیات هم در کوتاه‌ترین زمان ممکن چند برابر شد. این وضعیت محصول چیست؟

واقعیت این است که وضعیت فعلی کاملاً قابل پیش‌بینی بود. من شخصاً هم در سالهای گذشته که با «خبر آنلاین» گفتگو کرده‌ام، بارها نسبت به این بحرانها هشدار داده بودم. با این همه بی توجهی مسئولان موجب شده تا بحرانهای امروز پیچیده و عمیق‌تر از پیش شوند. بارها گفته شد که صرفاً با سیاستهای پولی انقباضی نمی‌توان جلوی شوک ارزی و جهش تورمی را بگیریم و

این رقم بسیار بزرگی است و به خوبی می‌دانیم احتمالاً تورم در سال آینده از این مقدار بیشتر هم بشود که نشان می‌دهد افزایش میزان فقر در کشور قطعی خواهد بود.

یعنی می‌توانیم بگوییم آن طور که بانک جهانی هم پیش‌بینی کرده در ۱۴۰۵، فقر ۴۰ درصد از جامعه را در بر بگیرد؟

چنین چیزی به ویژه اگر تورم به بیش از ۶۰ درصد برسد، احتمالاً رخ دهد و این موضوع بسیار نگران کننده است چرا که کشور را در «تله فقر» خواهند انداخت. تله فقر به وضعیتی گفته می‌شود که جمعیت بیش از ۴۰ درصد از کل جامعه درگیر فقر می‌شوند، دیگر بدون اینکه اتفاقی بیافتد، خود به خود بر جمعیت فقر افزوده خواهد شد. در این شرایط که فقر حدود نصف کشور را در بر می‌گیرد مهارت آموزی فقرها به کاری دشوارتر تبدیل می‌شود و بدون مهارت آموزی، آموزش و فرصت مطالعه و آگاهی، فقرزدایی به کاری به غایت سخت‌تر تبدیل می‌شود.

به این ترتیب جامعه ما در حال حرکت به وضعیتی است که یک طبقه کوچک بسیار ثروتمند و یک بخش بزرگ فرودست مواجه خواهد شد و در عمل طبقه متوسط به حداقل خواهد رسید. اصولاً در جوامع طبقه متوسط ۵۰ تا ۸۰ درصد از کل کشور را تشکیل می‌دهند. در دهه ۹۰ گفته می‌شد در ایران ۶۵ تا ۷۰ درصد جمعیت جزو طبقه متوسط هستند و اکنون تنها نیمی از جامعه جزو این بخش به حساب می‌آید. با افزایش تورم و نرخ فقر انتظار می‌رود در سالهای آینده این بخش کوچکتر و نحیف‌تر هم بشود.

در مورد رشد اقتصادی چه برآوردی دارید؟

نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی به طور مستقیم رشد اقتصادی را دستخوش کاهش می‌کنند. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهند دوباره رشد سرمایه‌گذاری در ایران منفی شده که به معنای کاهش رشد اقتصادی هم هست. برای امسال رشد اقتصادی بین صفر تا ۱- درصد خواهد بود اما در سال آینده نرخ رشد منفی افزایش می‌یابد و بین ۳- تا ۵- درصد خواهد بود.

فراخوان مناقصه با ارزیابی کیفی (یک مرحله ای)

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی در نظر دارد مناقصات به شرح ذیل را از طریق سامانه الکترونیکی دولت برگزار نماید. تاریخ انتشار در سامانه ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ می باشد.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	شماره فرخوان در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	مبلغ برآورد (میلیون ریال)
۱۴۰۴/۲۱/۲۰۴	عملیات احداث باند دوم محور درگز - لطف آباد (حداقل ۱۰+۵۰۰ الی ۱۷+۵۰۰) (نوبت اول)	۲۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۱۴۲	۶۳/۰۲۳/۳۲۸/۰۳۲	۲/۲۹۶/۱۶۶/۴۰۱/۶۱۸

مهلت دریافت اسناد مناقصه : تا ساعت ۱۷:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

مهلت تحویل پاکات مناقصه : تا ساعت ۱۷:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱

تاریخ و ساعت بازگشایی پاکات مناقصه : ساعت ۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام □ کد پستی ۹۱۷۳۶۹۵۶۳۶- تلفن تماس ۸-۳۳۴۱۲۰۲۴-۰۵۱ و نمابر ۰۵۱-۳۳۱۴۸۸۸۸

محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir

راه‌های نرفته ایران

در نمایشگاه کتاب استانبول



یادداشت

همراهی با آیین‌های ماندگار ایرانی



تهیه کننده ویژه برنامه «یلدا کنار» بیان کرد که این برنامه با حضور هنرمندان شناخته شده و مرور آیین‌های کهن ایرانی، یکشنبه شب از رادیو صبا پخش می‌شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از مهر الهه سلحشور تهیه‌کننده ویژه برنامه رادیو صبا در شب یلدا گفت: برنامه «یلدا کنار» با محوریت جشن شب یلدا و معرفی آداب و سنت‌های اصیل این شب کهن ایرانی روی آنتن می‌رود. «یلدا کنار» با اجرای مشترک و همراهی سایر مراکز استانی رادیو، تلاش می‌کند فضایی گرم و صمیمی برای مخاطبان ایجاد کند و با آیت‌های متنوع، لحظاتی شاد و خاطره‌انگیز را در بلندترین شب سال برای شنوندگان رقم بزند.

به گفته سلحشور، این ویژه برنامه میزبان هنرمندانی همچون امیر پارسی، فرهاد بشارتی، ماشالله وروایی و سیدحسین موسوی از بازیگران مجموعه «نون خ» خواهد بود و همچنین بهروز مسانلی و مینا نوروزی نیز در جمع مهمانان برنامه حضور دارند.

وی با اشاره به بخش‌های متنوع این برنامه افزود: ارتباط زنده با مراکز استانی لرستان، کردستان، گیلان، بوشهر، فارس و خراسان رضوی از جمله بخش‌های «یلدا کنار» است که حال و هوای آیین‌های شب یلدا در نقاط مختلف کشور را به گوش شنوندگان می‌رساند. گفت‌وگو با خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه، آیت‌های حافظ‌خوانی و مرور مراسم و آداب شب یلدا در کشورهای دیگر نیز از دیگر بخش‌های این ویژه برنامه است.

سلحشور در پایان گفت: ویژه برنامه «یلدا کنار» یکشنبه ساعت ۱۹ با اجرای آرمان غفاریان، شیوا رضایی‌زاده و حمید پارسا از رادیو صبا پخش می‌شود و تلاش دارد شبی صمیمی، فرهنگی و خاطره‌انگیز را برای مخاطبان رقم بزند.

جهان‌حمایت، نظارت و هدایت است که در بستر حمایت از حضور مستقل ناشران، آژانس‌های ادبی و نویسندگان و تصویرگران ایرانی در رویدادهای بین‌المللی به‌ویژه نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و فستیوال‌ها و جشنواره‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی اتفاق می‌افتد. حضور فیزیکی وزارت ارشاد در نمایشگاه‌های خارجی فقط باید برای تبلیغ برنامه‌ها و فعالیت‌هایش در حوزه نشر بین‌الملل باشد مثل تبلیغ بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران برای جلب ناشر خارجی جهت شرکت در نمایشگاه، طرح گزنت، فلوشیپ ناشران و ...

وزارت ارشاد می‌تواند در قالب معرفی و تبلیغ طرح گزنت کتاب‌های اولویت‌دارش را در نمایشگاه معرفی نماید، نه اینکه کتاب مردم را در معرض نمایش و فروش بگذارد.

بخش سالن امضا:

بخش قابل توجه دیگر این نمایشگاه سالن ویژه امضا است. نویسندگان معروف ترک هر روز با برنامه از پیش تعیین شده در این سالن حضور یافته و کتاب‌های خود را که در نمایشگاه خریداری شده امضا می‌کنند و با مخاطبین خود ارتباط رودررو برقرار می‌کنند. در نمایشگاه قبلی بیش از ۳۵۰۰ جلسه امضای کتاب برگزار شد.

بخش رویدادها:

در سالن‌ها و فضاهایی که در داخل نمایشگاه تدارک دیده است هرسال نزدیک به ۵۰۰ رویداد اتفاق می‌افتد. در بخش رویدادهای فرهنگی به طور میانگین هر روز ۲۰ الی ۲۵ جلسه سخنرانی یا نشست فرهنگی یا ادبی در نمایشگاه برگزار می‌شود. اکثر این جلسات را ناشران ترکیه برگزار می‌کنند و در آن‌ها درباره موضوعات نشر و کتاب در ترکیه صحبت می‌شود.

غرفه‌های ۴ یا ۶ متری دارند که در راهرو بین سالن‌ها جانمایی می‌شوند. بنا به گزارش روابط عمومی نمایشگاه هر ساله بیش از ۵۰۰ هزار نفر برای بازدید و فروش کتاب به نمایشگاه می‌آیند.

انتشار بیش از ۷۰ درصد کتاب‌ها توسط چند ناشر شناخته شده در ترکیه انجام می‌گیرد. از سال ۲۰۱۳ دو سالن جدید ویژه نشر الکترونیک، و ناشران آموزشی و دانشگاهی به فضای نمایشگاه اضافه شده است. سالن‌های دو و سه ویژه ناشران کودک و نوجوان، سالن ۶ ویژه ناشران آموزشی، دانشگاهی و سالن چهار و پنج مختص ناشران حوزه علوم انسانی و سایر موضوعات دیگر است. بیش از ۷۰ درصد کتاب‌ها توسط چند مؤسسه بزرگ انتشاراتی در ترکیه تولید می‌شود و اکثر فضاهای خوب نمایشگاه در اختیار این مؤسسات است. برای مثال انتشارات تیماش در سه سالن غرفه دارد و هر کدام از غرفه‌ها ۴۰ متر هستند.

بخش بین‌الملل:

در فضای محدودی از یک سالن بخش بین‌الملل نمایشگاه برگزار شده است. بیشتر فضای این بخش را وزارت فرهنگ و توریسم ترکیه و ادارات زیرمجموعه آن در اختیار دارند که در این فضا هم فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را پررنگ می‌کنند و هم فضایی را به مهمانان خارجی نمایشگاه اختصاص داده‌اند. امسال ۱۰ ناشر از کشورهای ترک‌زبان (همچنین یک ناشر ترک از ایران) مهمان نمایشگاه هستند که با هزینه وزارت فرهنگ ترکیه در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند.

دیگر شرکت‌کنندگان در بخش بین‌الملل عبارت‌اند از: مؤسسه خانه کتاب و ادبیات از ایران- وزارت

بخش نمایشگاهی و فروشگاهی:

در ۶ سالن حدود ۸۰۰ ناشر کتاب‌های خود را به فروش می‌رسانند. به جز روزهای تعطیل اکثر بازدیدکنندگان دانش آموزان و دانشجویان هستند که با هماهنگی نمایشگاه و مدارس به نمایشگاه آورده می‌شوند.

فضاهای نمایشگاه بیشتر در اختیار ناشران بزرگ ترکیه‌ای است که با عده و عده زیادی در نمایشگاه شرکت می‌کنند. ناشران ضعیف معمولاً

ش ۶۷شماره ملی ۰۶۸۲۱۲۲۹۳۱ صادره از بنچورد فرزند غلامحسین در چهاردانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان ۱۲ سبزابلا واسطه از محل مالکیت مالک رسمی ۵۵۶۶ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزابلا واسطه از محل مالکیت مالک رسمی وحید حاجی شمسائی محرزگردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۵۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۹/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

رئیس ثبت اسناد و املاک سبزو- علی آب باریکی

۱۵/۱۱/۵ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۰۲۶۰۲۲۰۳۰۶۰۴۰۴۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا توفلو فرزند امیر هوشنگ بشماره شناسنامه ۱۱۴ صادره از مشهد در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۴۵۱۶ متر مربع پلاک فرعی ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۱۳ از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ مالف ۲۴۷

حسین مهرجو- رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان

از ابراهیم معظمی (بچاره سابق) و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ مالف ۵۱۱

رسول طاهری زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

۱۳/۱۱/۳ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۷۷۲۶۰۳۰۶۰۴۰۴۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزو- تصرفات مالکانه و بلا معارض امیر حسن حاجی شمسائی به ش ش ۷۸۰۹۸۶۱۲۱ و شماره ملی ۷۸۰۹۸۶۱۲۱ صادره از سبزو فرزند محمدابراهیم در دودانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان ۱۰۴/۵۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۵۶۶ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزابلا واسطه از محل مالکیت مالک رسمی وحید حاجی شمسائی محرزگردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۵۸۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۹/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

رئیس ثبت اسناد و املاک سبزو- علی آب باریکی

۱۴/۱۱/۴ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۷۷۷۸۰۳۰۶۰۴۰۴۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۴ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزو- تصرفات مالکانه و بلا معارض محمدابراهیم حاجی شمسائی به ش

۱۱/۱۱/۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تایباد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۵۰۰۶۰۱۵۰۰۶۰۴۰۴۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض آقای ابوالقاسم خیراللهی به شناسنامه شماره ۵۴۹۳ کد ملی ۷۴۹۸۱۲۵۵۹ صادره از تایباد فرزند محمد در شش‌دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۹۱ متر مربع پلاک شماره ۱۷۷ فرعی از ۲۵۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش حوزه ثبت ملک تایباد و از محل مالکیت فیض محمد خیراللهی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ مالف ۵۱۱

رسول طاهری زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

۱۲/۱۱/۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تایباد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۵۰۰۶۰۲۲۳۰۳۰۶۰۴۰۴۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسمعیل معظمی به شناسنامه شماره ۱۲۱۱ کد ملی ۷۴۸۷۶۶۵۲۷ صادره از تایباد فرزند ابراهیم در شش‌دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت های ۳۱۶۴۲ و ۱۱۳۱۴ متر مربع هر دو ملک از پلاک شماره ۷۲۲ فرعی از ۱۴۸ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد و از محل قسمتی از مالکیت قهری و سهم الارثی آقای اسمعیل معظمی

امداد رسانی به ۱۵۰۰ نفر در جاده‌های استان

ارتفاعات شیرباد رفته و مفقود شده بودند که خوشبختانه توسط نیروهای هلال احمر پیدا و به محل امن بازگردانده شدند.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی، خاطرنشان کرد: برف و کولاک با کسی شوخی ندارد و وقتی اعلام می‌شود که از سفرهای غیرضروری پرهیز کنید یا به ارتفاعات نروید، این موضوع جدی است.

برخی هشدارها را به شوخی می‌گیرند

وی اظهار کرد: متأسفانه برخی هشدارها را به شوخی می‌گیرند و وقتی مشکلی برایشان پیش می‌آید، به دلیل اولویت جاده‌ها، ممکن است نیروهای هلال احمر نتوانند به موقع برسند و دچار یخ‌زدگی، نقص عضو و سایر مسائل شوند.

ذاکر با تأکید بر اینکه مردم باید بیش از این رعایت کنند، اظهار کرد: اگرچه بارش برف خوشحالی دارد، اما از حضور در مناطق حادثه‌خیز و ارتفاعات باید به جد پرهیز کرد. همچنین باید تجهیزات مناسب، لباس گرم و اقلام خوراکی همراه داشته و باک بنزین خودرو را پر نگه دارند.

وی گفت: متأسفانه در یکی از خودروها در سبزووار، خانواده‌ای کودک همراه داشتند و با مشکل جدی مواجه شدند و در گردنه گیر کرده بودند. این خانواده نه لباس و بنزین کافی و نه حتی یک بیسکویت و آب مناسب همراه خود داشتند.



معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی، از امداد رسانی به بالغ بر ۱۵۰۰ نفر خبر داد و گفت: این امداد رسانی شامل ارائه خدمات لازم به افراد گرفتار در شرایط بحرانی و توزیع اقلام امدادی بوده است.

محمد ذاکر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: تمامی هشدارهای ابلاغ شده از سوی سازمان مدیریت بحران کشور به استان‌ها قبل از شروع بارش‌ها به فرمانداران و هلال احمرهای شهرستان‌ها منتقل شده است.

وی با بیان اینکه با برگزاری جلسات متعدد و تقسیم کار دقیق، هماهنگی بین دستگاه‌های مرتبط برای مدیریت شرایط بحرانی افزایش یافته است، اظهار کرد: علیرغم اینکه در سال‌های گذشته بسیاری از افرادی که در زمان برف و کولاک در راه دچار مشکل می‌شدند به دلیل نایم بودن جاده‌ها بود، اما پلیس راه جاده‌ها را مسدود نمی‌کرد و این عدم انسداد باعث می‌شد که رانندگان پس از ورود به جاده نتوانند ادامه مسیر دهند اما در چند روز اخیر، بسیاری از جاده‌هایی که بارش برف در آن‌ها بیشتر از حد نرمال بود، توسط پلیس راه مسدود شدند.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی، همچنین خاطرنشان کرد: همچنین برای در راه ماندگان احتمالی هم محل‌های مناسبی مانند مساجد بین‌راهی و حسینیه‌ها برای اسکان اضطراری مسافران توسط هلال احمر

بیشترین مشکلات جاده‌ای در گردنه‌ها، محورهای کوهستانی

وی گفت: در هنگام برف و کولاک، در جاده‌های کفی مشکلی نداریم، اما در روزهای اخیر، بیشترین مشکلات جاده‌ای در گردنه‌ها، محورهای کوهستانی و مناطق مستعد طوفان گزارش شده است.

ذاکر افزود: بیشترین مشکلات را در آزادراه باغچه گردنه شریف آباد به سمت نیشابور، گردنه خماری به سمت تربت حیدریه، گردنه البلاغ محور بردسکن به سمت سبزووار، گردنه طیس از سبزووار به سمت جویین و گردنه مسیر تربت جام به صالح‌آباد داشتیم.

وی از امداد رسانی به بالغ بر ۱۵۰۰ نفر خبر داد و گفت: توزیع اقلام بین تمامی کسانی که اسکان اضطراری داده می‌شوند یکسان نیست و برخی نیاز به پتو و تعدادی نیاز به بسته‌های غذایی دارند.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی، همچنین اظهار کرد: شب گذشته در گردنه البلاغ سمت بردسکن و سمت پلیس‌راه گناباد، به شش اتوبوس مسافربری که با مشکل مواجه شده بودند، خدمات رسانی و اسکان اضطراری ارائه شد.

وی با اشاره به اینکه از ۳۴ شهرستان در خراسان رضوی، ۱۳ شهرستان بیشتر درگیر برف و کولاک بودند، اظهار کرد: در مجموع ۳۰ پایگاه امداد و نجات جاده‌ای وجود دارد که ۱۵۰ نفر به صورت ۲۴ ساعته در این پایگاه‌ها حضور داشتند.

ذاکر تصریح کرد: با توجه به وضعیت و شرایط جوی موجود، نیروهای پشتیبان از شهرستان‌ها نیز اعزام شدند و در مجموع ۴۷ تیم با ظرفیت ۲۸۰ نفر در عملیات‌های امدادی فعالیت داشتند.

وی در ادامه گفت: متأسفانه علیرغم تمامی هشدارهای داده شده، دو شب قبل شش نفر از کوهنوردان به

دشت کشف رود به مثابه یک پل میانجی در عصر پارینه سنگی

علی صدراپی
باستان‌شناس، مدرس دانشگاه و پژوهشگر دوره پارینه سنگی



شاید به جرات بتوان کمتر دشتی را در فلات ایران یافت که از دیدگاه تأثیرگذاری در تاریخچه این سرزمین قابل مقایسه با دشت کشف رود باشد. این دشت به واسطه موقعیت قرارگیری آن که از یک سو به بخش‌های مرکزی فلات ایران و از سوی دیگر به دشت‌های مرکزی آسیا

منتهی می‌شود، همواره مورد توجه جوامع انسانی از هزاره‌های پیش از تاریخ تا دوران معاصر بوده است. در این میان اغلب تصویری که از دشت کشف رود و تاریخچه سکونت در این دشت داریم به هزاره‌های پس از دوران نوسنگی می‌رسد. این درحالی است که بر مبنای مطالعات متعددی که در امتداد این دشت صورت گرفته است، می‌توان دیرینگی حضور انسان‌ها در این دشت را هم‌پا با نخستین موج‌های سکونت جوامع انسانی در آسیای مرکزی قلمداد کرد که به حوالی ۸۰۰ هزار سال پیش باز می‌گردد.

این شواهد در گام نخست توسط پروفیسور علی اصغر آریایی و «تیبو» در سال ۱۹۷۵ معرفی شدند و در چندین نقطه از این دشت مجموعه‌هایی از دست افزارهای سنگی گزارش شد که بیانگر حضور نخستین انسان‌ها در شمال شرق فلات ایران هستند.

این دست افزارها اگرچه در گام نخست محدود ارزیابی می‌شدند و در نقاطی نظیر بغیو، آبروان و چاهک به ثبت رسیده بودند ولی به خوبی جایگاه این دالان در مطالعه جمعیت‌های انسانی عصر پارینه سنگی را گوشزد می‌کرد.

این پژوهش‌ها در سال ۱۳۸۷ پیگیری شد و برخی از محوطه‌ها بازنگری شدند با این وجود کماکان بخش‌های قابل توجهی از دشت بدون مطالعه ماند.

در سال ۱۴۰۲ با حمایت‌های اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی برای نخستین بار و به صورت هدفمند بخش قابل توجهی از دشت مورد پیمایش قرار گرفت.

در خلال این بررسی‌ها، تیمی متشکل از باستان‌شناسان دانشگاه تربت حیدریه و دانشگاه نیشابور به بررسی پارینه سنگی «پادگانه‌ها» و «تراس‌های» مشرف به رودخانه پرداختند که در پایان موفق به شناسایی ۳۰ استقرار از عصر پارینه سنگی شدند. این استقرارها دوره‌های مختلفی را شامل می‌شوند که از پارینه سنگی قدیم تا ابتدای دوره روستائوسینی را دربر می‌گیرند. از این میان بیشترین میزان استقرارها را می‌توان به دوره پارینه سنگی قدیم منتسب کرد.

همچنین در پارینه سنگی میانی تعداد قابل توجهی محوطه روباز و غار شناسایی شد که قربات‌هایی را با صنایع «لولالوا» (یکی از صنایع سنگ دوره پارینه سنگی میانی که مورد استفاده نئاندرتال‌ها نیز قرار می‌گرفته است) در شرق ایران نشان می‌دهد.

علاوه بر این محوطه‌هایی با صنایع پارینه سنگی جدید و فراپارینه سنگی نیز در امتداد این دشت شناسایی و ثبت شد.

با این وجود شاید بتوان مهم‌ترین و پرتراکم‌ترین دوره پارینه سنگی در کشف رود را دوره پارینه سنگی قدیم قلمداد کنیم که بیش از دو سوم محوطه‌ها به این دوره قابل انتساب هستند.

بر مبنای مطالعات مقدماتی، دو صنعت مهم از دوره پارینه سنگی قدیم را در منطقه شاهد هستیم. نخست صنعت «سپاتور محور» که پیش از این نیز در مطالعات پروفیسور آریایی گزارش شده بود و از بیشترین فراوانی در منطقه کشف رود برخوردار هستند. حضور پررنگ «سپاتور ابزارها» در کنار سنگ مادرهای سندان‌ی و خراشنده‌های سنگین از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی این محوطه‌ها به‌شمار می‌روند. این دست افزارها عمدتاً بر روی سنگ کوارتز تراش خورده‌اند که برای خورد کردن استخوان و در مواردی برای جداسازی گوشت از استخوان کاربرد داشته‌اند. با این وجود در این فصل از مطالعات میدانی برای نخستین بار شواهدی قابل اتکا از «صنایع آشولی» (صنعتی که تبرهای دستی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن به‌شمار می‌رود) را در منطقه شناسایی کردیم که در نوع خویش بسیار حائز اهمیت هستند.

صنعتی که عمدتاً به «هومو اکتوس» (انسان راست قامت با دیرینگی ۱٫۸ میلیون سال تا ۱۱۰ هزار سال قبل) و «هومو هایدلبرگ» (انسانی مربوط به عصر پارینه سنگی قدیم حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار سال قبل) منتسب می‌شوند و می‌توانند درک ما از گروه‌های انسانی عصر «پلستوسن میانی» (۸۰۰ هزار سال قبل) را متحول سازند. این مهم زمانی از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود که در پیام تاکنون تنها محوطه‌هایی انگشت شمار و با تک یافته‌هایی از این صنعت در فلات ایران گزارش شده‌اند.

رییس دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی خواستار افزایش سرانه توزیع درآمد مالیات بر ارزش افزود

هزینه زائرپذیری

توجه به بار جمعیتی زائران، بسیار کمتر از حق واقعی بوده و طبیعی است که در سرانه‌های توزیع ارزش افزوده که عدد بسیار بزرگی است، باید دیده شود.

وی گفت: این موضوع در شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان که چندی قبل با حضور وزیر اقتصاد و رییس سازمان امور مالیاتی برگزار شد، مطرح گردید و آنان پذیرفتند که مشهد را باید ویژه دید لذا توافق اولیه در استان بر این شد که رییس سازمان مالیاتی، لایحه‌ای مستند بر ادله‌های ارائه شده تهیه و به دولت ارائه کند تا آیین‌نامه توزیع ارزش افزوده، سهم ویژه‌ای برای شهرداری مشهد لحاظ کند.

رییس دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی افزود: این اقدام نه تنها حق خدمات بیشتری به زائران ارائه داد. لایفی از نمایندگان مجلس نیز خواستار پیگیری این امر شد، زیرا همواره حق خراسان رضوی و مشهد تضییع شده است.



ارزش افزوده باشد تا صرف طرح‌ها و هزینه‌های شهری شود؛ این عدد برای استانی مانند تهران ۱۰ برابر و برای استانی مانند اصفهان که هم‌تراز با مشهد بوده، ۲ برابر است.

رییس دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی با مقایسه وضعیت مشهد با کلانشهرهای دیگر در درآمد مربوط به چهار درصد مالیات بر ارزش افزوده، خاطرنشان کرد: سهم شهرداری‌ها از مالیات بر ارزش افزوده باید بر اساس قانون، چهار درصد از ۱۰ درصد کل

گردشگری شهر را رونق دهد و درآمدی برای این شهر به همراه داشته باشد لذا خدمات‌رسانی شهرداری و سایر بخشها به زائران از بارانه دولت و سرانه درآمدی مردم این شهر، تامین می‌شود.

رییس دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی با مقایسه وضعیت مشهد با کلانشهرهای دیگر در درآمد مربوط به چهار درصد مالیات بر ارزش افزوده، خاطرنشان کرد: سهم شهرداری‌ها از مالیات بر ارزش افزوده باید بر اساس قانون، چهار درصد از ۱۰ درصد کل

رییس دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی گفت: ضروری است که هزینه‌های مربوط به خدمات رسانی به زائران مشهدالرضاء (ع) در سرانه توزیع درآمد حاصل از مالیات بر ارزش افزوده لحاظ شود.

علی اکبر لبافی روز گذشته در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا با اشاره به اینکه سهم شهرداری مشهد از چهار درصد درآمد مالیات بر ارزش افزوده بر اساس جمعیت ساکن محاسبه می‌شود، افزود: این رویکرد، حق شهر مشهد را که میزبان سالانه ۳۰ میلیون زائر (جمعیت غیرساکن) و جمعیت اتباع بیگانه است، تضییع کرده است.

وی مهم‌ترین چالش مشهد را نادیده گرفته شدن جمعیت غیرساکن در محاسبه این سهم دانست و اضافه کرد: مشهد سالانه پذیرای بیش از ۳۰ میلیون زائر در قالب جمعیت غیرساکن است که اگر به طور میانگین ۱۰ روز ماندگاری داشته باشند، در سرانه تقسیم عددی جمعیت ساکن لحاظ نشده‌اند. زائر امام رضاء (ع) بضاعت مالی زیادی ندارد و گردشگر محسوب نشده که حضور وی در مشهد صنعت

پرسش‌های بی‌پاسخ در پرونده الهه حسین‌نژاد

یک وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید: در ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی اینطور آمده «در صورتی که جنایت نظم و امنیت عمومی را مختل کرده، یا احساسات جامعه را جریحه‌دار کند، دادستان می‌تواند درخواست پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال را مطرح کند؛ در این حالت با تایید رئیس قوه قضائیه تفاضل دیه از بیت‌المال تامین شده و قصاص اجرا می‌شود» که در مورد الهه حسین‌نژاد این اتفاق افتاد و احساسات و افکار جامعه خیلی جریحه‌دار شد و تحت تاثیر قرار گرفت.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران الهه حسین‌نژاد دختر ۲۴ ساله‌ای بود که در چهارم خرداد ماه سال جاری از محل کارش که آرایشگاهی واقع در سعادت‌آباد بود، به منظور بازگشت به خانه خارج شد. در خبرها اینطور آمد که دختر جوان در میدان آزادی سوار یک سمند نقره‌ای مسافرکش شده و در نهایت توسط راننده این خودرو به قتل رسیده است.

پیکر الهه پس از حدود ده روز توسط پلیس در بیابان‌های اطراف تهران کشف و در ادامه تصویری از کشف جسد و اعتراضات متهم به قتل این دختر جوان در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

قتل الهه احساسات و افکار عمومی بسیاری از مردم را جریحه‌دار کرد و پرونده مربوط به این قتل، پس از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد و به صورت ویژه در دادسرای جنایی اسلامشهر خارج از نوبت تحت رسیدگی قرار گرفت.

قاتل الهه «بهمن فرزانه» نام دارد و در همان ابتدای بازجویی‌ها به قتل الهه اعتراف کرده است؛ قاتل در بازجویی‌ها گفته است که الهه به عنوان مسافر سوار ماشینش شده، اما حرف‌هایی زده که او را عصبانی کرده و به همین دلیل با ضربات چاقو، جان این دختر جوان را گرفته است.

جلسات رسیدگی به اتهام قاتل الهه حسین‌نژاد سپری شد و در این رابطه، اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضائیه، در همان روزهای نخست وقوع این قتل هولناک در گفتگو با رسانه‌ها، توضیحاتی در مورد بحث تفاضل دیه این پرونده مطرح کرد.

جهانگیر گفته بود: «در صورتی که این پرونده پس از تکمیل تحقیقات منتهی به قصاص شود بحث تفاضل دیه پیش خواهد آمد که در این خصوص قانون همه موارد لازم را پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی در مواردی که جنایت، نظم و امنیت عمومی را بر هم بزند و احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت عمومی در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت تفاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد با درخواست دادستان و تایید رئیس قوه قضائیه مبلغ مذکور از بیت‌المال پرداخت و حکم قصاص اجرا می‌شود؛ بنابراین اگر این پرونده به قصاص منتهی شد شرایط لازم برای اجرای این حکم با توجه به احوالات پرونده مهیا خواهد شد.»

حال پس از گذشت چندین ماه از قتل الهه حسین‌نژاد و برگزاری جلسات رسیدگی به پرونده مربوط به این قتل و رسیدگی به اتهامات قاتل، طی روزهای گذشته سخنگوی قوه قضائیه، صحبت دیگری را مطرح کرده است.

جهانگیر در پاسخ سوال یکی از خبرنگاران، درباره چرایی عدم اجرای حکم قاتل الهه حسین‌نژاد گفت: من این مسئله را از رئیس کل دادگستری استان تهران پیگیری کردم. در خصوص موضوع هم اعلام کردند که پرونده از هر جهت آماده اجرا است؛ اما از آنجا که در حکم صادره بحث تفاضل دیه مطرح است، باید تفاضل دیه توسط اولیای



وجود دارد و زیر نظر دستگاه قضا اداره می‌شوند، اشراف دارند، می‌توانند در این موارد هم تصمیم‌گیری کنند.

این پرداخت تفاضل دیه که از صندوق تامین خسارت‌های بدنی باید انجام شود، اصلا نیازی به تشریفات آنچنانی ندارد که حالا چند ماه بعد بگویند که تایید نشده است؛ یعنی دقیقا شخص دادستان و رئیس قوه قضائیه متولی اجرای این قانون هستند و باید توضیح بدهند که چرا در مورد الهه حسین‌نژاد انجام نمی‌شود. آیا اتفاقی که در مورد الهه افتاد، احساسات جامعه را جریحه‌دار نکرد؛ تمام رسانه‌ها، جراید و روزنامه‌های آن موقع را ببینند که چه اتفاقی افتاد؛ از اسنپ و دیگر تاکسی‌های اینترنتی استعمال کنند که به دنبال وقوع قتل الهه حسین‌نژاد توسط یک راننده که تا چند وقت زن و دختران ما از گرفتن تاکسی اینترنتی می‌ترسیدند و آمار عملکردشان کاهش پیدا کرد؛ همه این آمار نشان می‌دهد که احساسات و افکار عمومی جامعه جریحه‌دار شده است.

پرداخت تفاضل دیه از طرف خانواده

الهه چه تبعاتی دارد؟

ما در قانون اساسی یک اصل و قاعده داریم که می‌گوید دادگستری مرجع تظلم‌خواهی است؛ یعنی در این اصل داریم به مردم نوید می‌دهیم که اگر برای شما مشکلی پیش آمد و جایی حقتان ضایع شد و به شما ظلم و تعرض شد، من دستگاه قضایی به شما اطمینان می‌دهم که حقتان را مطالبه کنم و پیگیری حق و حقوق شما بشم و شیوه اجرای این قاعده تظلم‌خواهی و عملکرد دادگستری و دستگاه قضایی در پرونده‌های مختلف از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم مردم می‌رسد؛ امروز ۸۰ درصد مردم ایران می‌دانند که ماجرای الهه حسین‌نژاد چه بود و چگونه به قتل رسید و وعده مطرح شده مسئولان در خصوص پرداخت تفاضل دیه از طریق بیت‌المال را هم می‌دانند.

در صورت اینکه خانواده الهه حسین‌نژاد خودشان مجبور به پرداخت تفاضل دیه قاتل فرزندان‌شان شوند، با وجود وعده‌ای که در روزهای ابتدایی وقوع این قتل از طرف سخنگوی دستگاه قضا متنی بر «پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال» عنوان شده بود، مردم با دیدن گفتار و رفتار مسئولان دچار تعارض شده و نسبت به دستگاه قضا بیش از پیش، بدبین و بی‌اعتماد می‌شوند و این بزرگترین اشتباهی است که دستگاه قضایی مرتکب می‌شود. یعنی اگر قرار بر این بود و این اختیار وجود نداشت، سخنگوی قوه قضائیه چند ماه پیش هم نباید در این مورد صحبت می‌کرد و باید قضیه را مسکوت می‌گذاشت.

کلا بحث تفاضل دیه زن و مرد از دیرباز مطرح بوده و خیلی از فقهای قدیم و جدید هم به جهت تغییرات اجتماعی که وجود داشته و وجود دارد، همیشه با آن مخالف بوده‌اند؛ آن موقع در گذشته فلسفه تفاضل دیه را اینطور می‌گفتند که چون «زن‌ها فقط توی خانه هستند و نان‌خور یک مرد هستند» این تفاضل دیه مطرح است و الان که شرایط اجتماعی تغییر کرده است و در مورد الهه حسین‌نژاد که شائل و به لحاظ مالی کمک حال خانواده‌اش بوده است، طرح چنین موضوعاتی بدون کاربرد است؛ خنده‌دار است که ما بخواهیم از این حیث به زن نگاه کنیم؛ امروز دیگر زن و مرد ندارد. ما فراموش نمی‌کنیم که نزدیک به ۲۳ هفته تیر همه روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها راجع به این مسئله بود که خانواده الهه حسین‌نژاد با مشکل جدیدی به نام «تفاضل دیه» روبه‌رو هستند و همه برگشتند گفتند که نه و کلا و حقوقدان‌ها دارند سیاه‌نمایی می‌کنند.

هفته تیر همه روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها راجع به این مسئله بود که خانواده الهه حسین‌نژاد با مشکل جدیدی به نام «تفاضل دیه» روبه‌رو هستند و همه برگشتند گفتند که نه و کلا و حقوقدان‌ها دارند سیاه‌نمایی می‌کنند و این تفاضل دیه را دولت پرداخت می‌کند و مشکلی هم پیش نمی‌آید؛ الان وقت آن است که آن تیتراژ دوباره رونمایی شوند و رسانه‌ها باید همان مطالب را بازنشر کنند و مطالبه‌گری کنند که چرا آن وعده که گفته شد اگر در پرونده الهه حسین‌نژاد بحث تفاضل دیه پیش بیاید، دولت تفاضل دیه از پرداخت می‌کند.

تصمیم‌گیر نهایی در پرداخت تفاضل دیه از صندوق دولت، چه کسی است؟

اگرچه من مخالف بحث قصاص هستم که جان یک انسان گرفته شود اما در این موضوع اجرای درست قانون محل بحث است و آنچه که در شرع و فقه امامیه تعریف شده است و بر مبنای مبانی اسلامی قرار است این اتفاق بیافتد و نمی‌شود اینجا در مورد قتل الهه حسین‌نژاد یک بام و دو هوا بود؛ چیزی که در قانون پیش‌بینی شده است باید عینا اجرا شود و دولت (در معنای عام، منظور حکومت است نه قوه مجریه) باید متولی اجرای قانون اسلامی شود و این قانون اسلامی هم پیش‌بینی کرده که بیت‌المال در چنین شرایطی باید تفاضل دیه را پرداخت کند.

در ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی اینطور آمده است «در صورتی که جنایت نظم و امنیت عمومی را مختل کرده، یا احساسات جامعه را جریحه‌دار کند، دادستان می‌تواند درخواست پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال را مطرح کند؛ در این حالت با تایید رئیس قوه قضائیه تفاضل دیه از بیت‌المال تامین شده و قصاص اجرا می‌شود.» که در مورد الهه حسین‌نژاد این اتفاق افتاد و احساسات و افکار جامعه خیلی جریحه‌دار شد و تحت تاثیر قرار گرفت. بنابراین هیچ رکن و مقامی خارج از دستگاه قضایی، جز دادستان، برای اعمال این ماده قانونی اختیار ندارد؛ دادستان پیشنهادش را مطرح کرده و رئیس قوه قضائیه هم تایید می‌کند. بنابراین نه دولت به عنوان قوه مجریه و نه مجلس و نه حتی رهبری، نمی‌توانند در این مسئله دخالت کنند و مشخصا دادستان و رئیس قوه قضائیه به عنوان دو مقام ارشد دستگاه قضایی که روی صندوق پرداخت دیه و سایر مسائل مالی که در دستگاه قضایی

بوده و قرار است به وقت ضرورت برای مردم هزینه شود.

همان قاعده‌ای که در ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی راجع به تفاضل دیه زن و مرد تعریف شده است که می‌گوید هر گاه زن مسلمانی کشته شود و حق قصاص ثابت شود، اگر قاتل مرد باشد، اولیای دم زن که مقتول است، باید نصف دیه او را بپردازند، در ادامه همین ماده قانونی که برگرفته از شرع است، اینطور آمده است که «خون مسلمان نباید هدر رود؛ حتی در جایی که اگر مسلمانی کشته شود و شواهد و قرائن نشان بدهد که بله این فرد مسلمان کشته شده است، اما قاتلش پیدا نمی‌شود، آنجا هم حتی بیت‌المال باید دیه مربوطه را به جهت حرمت خون مسلمان پرداخت کند.»

چطور می‌شود در قضیه‌ای که قاتل مشخص شده (قتل الهه حسین‌نژاد) و قتل هم به اثبات رسیده و در قانون هم این مسئله پیش‌بینی شده است که اگر شرایط اجتماعی، اوضاع و احوال روحی و روانی جامعه بهم ریخته است و رفتار قاتل آنقدر شنیع بوده که جو جامعه را بهم ریخته و جامعه مطالبه یک حقی را می‌کند، دستگاه قضایی ما که یکی از ارکان حاکمیتی است اعلام کند که راجع به پرداخت تفاضل دیه پرونده الهه حسین‌نژاد رای صادر نشده و موافقت نشده است. اساسا مگر این قبیل پرونده‌ها که یک جامعه را درگیر خود کرده است نیاز به مخالفت و موافقت دارد؟

آیا قاعده تفاضل دیه به لحاظ قانونی قابل تغییر است؟

تشریفات اجرای قصاص را تفکیک جنسیتی کرده‌اند که امروز با توجه به مقتضیات روز جامعه دچار ایراد است. همین نقدها و حرف‌ها هم بود که موجب شد در بحث بیمه و دیاتی که در بیمه مطرح است، امروز بحث تساوی زن و مرد در بیمه اعمال شود؛ یعنی اگر تصادفی پیش بیاید، بیمه تفاوتی بین زن یا مرد بودن فرد قاتل نمی‌شود و باید دیه را کامل پرداخت کند. یکی از نشانه‌هایی که می‌شود قاعده تفاضل دیه زن و مرد را تغییر داد که البته بحث فقهی مفصلی است، این است که چون جزو احکام امضایی است، فقها می‌توانند این حکم و قاعده را تاسیس کنند و بگویند ما بنابر مقتضیات روز جامعه، تفاضل دیه را برداشته و حذف می‌کنیم. یعنی اگر قتلی اتفاق افتاد فارغ از اینکه جنسیت مرد یا زن است، قاعده قصاص اجرا شود.

ما فراموش نمی‌کنیم که نزدیک به ۲-۳

دم پرداخت شود تا حکم اجرا شود. سخنگوی دستگاه قضا گفت: در صورت پرداخت تفاضل دیه، مانعی برای اجرای حکم نخواهد بود و این کار به سرعت انجام خواهد شد.

محمدهادی جعفرپور، وکیل پایه یک دادگستری، در خصوص پرداخت تفاضل دیه توسط خانواده الهه حسین‌نژاد، به خبرنگاران می‌گوید: چطور می‌شود در قضیه‌ای که قاتل مشخص شده (قتل الهه حسین‌نژاد) و قتل هم به اثبات رسیده و در قانون هم این مسئله پیش‌بینی شده که اگر شرایط اجتماعی، اوضاع و احوال روحی و روانی جامعه بهم ریخته است و رفتار قاتل آنقدر شنیع بوده که جو جامعه را بهم ریخته و جامعه مطالبه یک حقی را می‌کند، دستگاه قضایی ما که یکی از ارکان حاکمیتی است اعلام کند که راجع به پرداخت تفاضل دیه پرونده الهه حسین‌نژاد رای صادر نشده و موافقت نشده است. اساسا مگر این قبیل پرونده‌ها که یک جامعه را درگیر خود کرده است نیاز به مخالفت و موافقت دارد؟

آیا پرداخت تفاضل دیه الهه حسین‌نژاد از بیت‌المال ممکن است؟

در قانون مجازات ما که پسوند اسلامی را هم دارد، حتی بدون اینکه بخواهیم به فلسفه انشاء قوانین کیفری، مخصوصا در بحث حدود قصاص و دیات نگاه کنیم، این موضوع به ذهن خطور می‌کند که هر آنچه که راجع به قوانین حوزه حدود قصاص و دیات می‌بینیم، برگرفته از اسلام است؛ عبارت و قاعده بیت‌المال هم باز برگرفته از فقه امامیه و اسلام است. زمانی که راجع به بیت‌المال بحث می‌شود، معنای تحت‌اللفظی آن هم همین است که هر آنچه که مال مردم است؛ از انقال گرفته تا جنگل‌ها، درختان و معادن؛ هر آنچه که در سرزمین اسلامی وجود دارد، متعلق به مردم است که حالا امت یا ملت گفته می‌شود.

برای نگهداری از بیت‌المال، اینجا یک حاکم شرعی تعریف می‌شود که به وقت ضرورت برای همین مردم از این خزانه هزینه شود؛ چه در قالب خمس و زکات از مردم مبلغی گرفته شود و چه امروز در قالب مالیات و چه به عنوان مالیات بر ارزش افزوده؛ همه این موارد در صندوقی بزرگ به نام خزانه کشور ذخیره می‌شوند.

به عنوان مثال صندوق مربوط به قوه قضائیه و پرداخت خسارت‌های بدنی و اگر اینها را هم کنار بگذاریم، خزانه کشور از اموالی انباشته شده است که متعلق به مردم

